نگاه

نبرد برابر

کنی دالگلیش*

در شرایط ایده‌آل، تمام تیم‌ها از اینکه با نمایش زیبایشان در میدان مردم را سرگرم کنند لذت می برند. اما آنچه که اریکسون روز گذشته عنوان کرد به تیمی که زیبا بازی می کند، امتیاز نمی دهند، نکته قابل تاملی بود. پیروزی تنها دستاورد بااهمیت در فوتبال است و با توجه به چنین تئوری ای، باید گفت که انگلستان در این راه تاکنون موفق عمل کرده است. آنچه که آشکار است، تیمی که فرانک لمپارد، وین رونی، استیون جرارد و دیوید بکام را در اختیار دارد، تمام ابزار ممکن را برای نمایش یک فوتبال «زیبا» و «تماشاگرپسند» در کنار خود می بیند اما فکر می کنم چنین بازیکنانی هنگامی می توانند با قابلیت هایشان همه را متاثر کنند که انگلستان در مسابقه ای گل نخست بازی را پذیرفته باشد. چنین اتفاقی هنوز برای آنها رخ نداده است. اما برایم جذاب است که بدانم انگلستان چه واکنشی از خود نشان می دهد، هنگامی که پرتغال با یک گل بازی را به نفع خود می بیند.

هیچ دلیلی نمی بینم که چرا این تیم نتواند پرتغال را امروز در گلزن کرشن مغلوب کند و پس از ۱۶ سال خود را در جام جهانی فوتبال در جمع ۴ تیم برتر دنیا ببیند. حتی اگر بدانیم جدال اصلی برای نیل به چنین هدفی با لوییس فیلیپه اسکولاری است. بازیکنان حاضر در میدان از هر نظر متفاوت هستند با کسانی که دو سال پیش در پرتغال در برابر آنها قرار گرفتند. اسکولاری بی تردید یک مربی موفق است. کاملاً متفاوت با اسون گوران اریکسون و با طبیعت سردش.

اسکولاری یک مربی پرتحرک و اهل برهم زدن جو مسابقه است. اما این دلیل نمی شود که او با چنگ انداختن به چنین راه و شیوه ای همواره خود را یک برنده ببیند. چرا که برای چنین کسانی راه های بهتر و منطقی تری نیز وجود دارد. در اینکه دستاوردهای او در طول سال های اخیر حیرت انگیز بوده، شکی نیست. قهرمانی با برزیل در جام جهانی ۲۰۰۲ و هدایت پرتغال تا بازی فینال در دو سال پیش، موید توانایی و قابلیت های انکارنشدنی او است. او تا آستانه عقد قرارداد با اتحادیه فوتبال انگلستان نیز پیش رفت اما در آخرین لحظات از تصمیم خود منصرف شد. گمان می کنم اگر او می توانست این موقعیت را در اختیار داشته باشد، با تیم ملی انگلستان نیز همچون دو تیم دیگرش، نتایج قابل توجهی می گرفت.

البته نمی دانم که او آیا می توانست با جو و فضای فوتبال انگلستان انس بگیرد یا نه؟ و یا چه رویکردی را در قبال مربیان و بازیکنان جدید فوتبال این کشور به کار می گرفت؟! و مهمترین نکته این است که عدم آگاهی از زبان انگلیسی نیز حقیقتاً عاملی بازدارنده در کسب موفقیت خواهد بود، حتی اگر کارنامه اسکولاری لبالب از موفقیت باشد. تمام این صحبت ها ممکن است، پس از بازی امروز، هنگامی که اریکسون و تیمش پرتغال را با هدایت اسکولاری مغلوب می کنند، مضحک و بی معنی جلوه دهد. آنگاه مردم به یکدیگر می گویند که انتخاب استیو مک لارن دستیار اریکسون، بهترین گزینه ممکن اتحادیه بود.

بدون شک عدم حضور دکو در این مسابقه و نیز کاشتینیا می تواند برای اسکولاری و تیمش دردسرساز شود. دکو حقیقتاً یک بازی ساز قهار و تمام عیار است. در این صورت احتمالاً فیگو، جای دکو را پشت سر تک مهاجم پرتغال یعنی پدرو پائولتا پر خواهد کرد. آنچه که مشخص است فیگو در جناحین قابلیت هایش را بهتر و بیشتر ارائه می دهد و با اشاره به نمایش ضعیف و ازهم گسیختگی پرتغال در برابر هلند پس از اخراج دکو چنین نکته ای ملموس تر می شود. اما پرتغالی ها با مشاهده نمایش مایوس کننده انگلستان در برابر اکوادور با روحیه بسیار بالا و با هدف از پیش رو برداشتن این تیم به مصاف انگلستان می روند. باید بگویم که آن نمایش از سوی شاگردان اریکسون در برابر اکوادور، تأسف برانگیز و شرم آور بود. یکی از کم روح ترین و کسالت آورترین بازی هایی که این تیم در چند سال اخیر از خود ارائه کرده بود.

در بازی امروز فرانک لمپارد نقشی به غایت مهم و حیاتی را در برنامه های هجومی اریکسون بازی خواهد کرد. گری نویل به بازی می رسد و در این صورت این اوون هارگریوز است که به منطقه تخصصی اش به عنوان یک هافبک تدافعی می رود. آنگاه فرانک لمپارد این مجال را پیدا می کند که بیشتر از همیشه به جلو برود و در اصل یک حامی برای وین رونی در حملات انگلستان باشد. گمان می کنم لمپارد در بازی امروز موفق شود نخستین گلش را در جام جهانی به ثمر برساند. لمپارد فوتبالیستی است که در طول مسابقه شوت های بسیاری به سوی دروازه شلیک می کند. از سویی دیگر توجه بسیاری نیز به سمت وین رونی است. کسی که اگر در این مسابقه گل پیروزی بخش انگلستان را در برابر پرتغال به ثمر برساند نباید شگفت زده شد. وین رونی از چنان نیروی جادویی در زمین مسابقه بهره مند است که به راحتی می تواند شما را به سوی پیروزی و موفقیت هدایت کند. حال با دیدن چنین شرایطی از رونی باید به تصمیم اریکسون مبنی بر دعوت از او در آن وضعیت سخت احترام بگذاریم.

اما در میان هافبک های انگلستان فرانک لمپارد، میل و عطش چشمگیرتری برای گلزنی دارد. او چنین خصیصه ای را در چلسی مکرراً به اثبات رسانده... اما برای او متاسفم که هنوز نتوانسته در این راه موفق باشد. او در صورت بازگشت هارگریوز در همان پست همیشگی اش می تواند در نقش یک مهاجم کاذب، وین رونی را در کارهای هجومی یاری دهد. ایمان دارم که در صورت فراهم آمدن موقعیت های ایده‌آل او می تواند بر نوار گلزنی حرکت کند.

*ستاره اسبق تیم ملی اسکاتلند و لیورپول

بازی امروز انگلیس- پرتغال از دو دیدگاه

تیم اریکسون می‌تواند اما نمی‌تواند

ترجمه: وصال روحانی

مطلبی که پیش رو دارید، از دو دیدگاه به بازی امروز تیم های ملی انگلیس و پرتغال در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ می نگرد. یکی از این دو دیدگاه متعلق به کوین کارا فوتبال نویس زبده انگلیسی است که می گوید کشورش پرتغال را خواهد برد و دومی به ریچارد ویلیامز دیگر ورزشی نویس مطرح بریتانیا تعلق دارد که معتقد است لوئیس فیلیپه اسکولاری مربی برزیلی پرتغال هوشیارتر از آن است که مربی یخی انگلیس (اسون گوران اریکسون) از عهده اش برآید و یک بار دیگر پرتغال با هنر او از سد انگلیسی ها خواهد گذشت.

■ دیدگاه اول

معمولاً مسیرهایی آسان است که باعث می شود بازیکنان معروف دچار مشکل شوند. به دلیل آسان گرفتن اوضاع و یا به هر سبب دیگر آنها در تقابل با رقبایی که همواره ضعیف تر از آنان تلقی شده اند، به معضل و سد برخورد می کنند. صعود انگلیس تا مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی امسال با چنین وضع و وصفی صورت پذیرفته است. به واقع اگر سوئد را نادیده بگیریم، انگلیس در رویارویی با پاراگوئه، ترینیداد و اکوادور با یک مشت تیم درجه سوم روبه رو شده و دقیقاً به همین سبب نیز مشکل داشته است.

بنابراین باید پرسید امروز که انگلیس در ادامه مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ روبه روی پرتغال قرار می گیرد، آیا این تیم سرانجام به حد و اندازه ای که برایش متصور است، خواهد رسید یا نه. آنها که دوست دارند از اسون گوران اریکسون مربی سوئدی در آستانه جدایی از تیم ملی انگلیس دفاع و تصمیم های وی را تائید کنند، می توانند روی این نکته مانور کنند که حتی برای قوی ترین تیم های باشگاهی نیز در طول فصل چند بار اتفاق می افتد که به مشکل برخورد کنند و در برابر تیم های آشکارا کوچک تر از خود کارشان گره بخورد و به نتایجی ضعیف برسند. از آنجا که قرار است ما نیز نسبت به موضوع حضور انگلیس در جام جهانی ۲۰۰۶ خوشبین باشیم و ادعای صعود این تیم را مطرح کنیم، باید بگوییم دلایلی در دست است که کسب نتیجه ای مساعد در دیدار با پرتغال را بسیار محتمل جلوه می دهد. این تیم هم توان کافی را به لحاظ فنی و جسمانی دارد، هم به مرحله ای حساس رسیده (و متوجه اهمیت کار شده) و هم شور انتقام از پرتغال بابت شکست در برابر این رقیب در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات یورو ۲۰۰۴ بیشترین انگیزه را در این تیم ایجاد کرده است. با این حساب کافی است رونی پس از ۳۰ دقیقه متوسط در برابر ترینیداد، نمایشی بالنسبه خوب در مقابل سوئد و نمایشی خوب تر در مقابل اکوادور امروز در اوج قدرتش ظاهر شود و آنگاه اریکسون پس از دو شکست سزاوارانه در برابر لوئیس فیلیپه اسکولاری در جام جهانی ۲۰۰۲ و یورو ۲۰۰۴ می تواند انتقام آن ناکامی را از این مربی نامدار برزیلی بگیرد و برخلاف آنچه در یورو روی داد، باعث حذف پرتغال شود. اریکسون بر این باور است که دلیل اصلی خوب بازی نکردن تیمش در دیدارهای قبلی نمایش های منفی حریفانش بوده است. طبق این فرضیه امثال پاراگوئه و اکوادور راه ها را به روی شاگردان او بسته بودند و چاره ای جز ارائه بازی هایی که مشاهده شد، برای انگلیس باقی نماند.

با این حال جای تاسف دارد خط هافبکی که قرار بود نقطه قوت تیم انگلیس در این جام باشد، تبدیل به نقطه ضعف و موضوعی تاسف آور در این تیم شده است. اکثر بازیگران این خط طوری با توپ طرف می شوند که انگار قصد و اصرار دارند که آن را هرچه سریع تر از خود دور و رفع مسئولیت کنند. موثرترین مرد این خط جو کول بوده که اصولاً یک هافبک نیست و فقط روی سلایق خاص مربی سابق لاتزیو به خط میانی منتقل شده اما چه فایده که او هم در بعضی مقاطع مسابقات چنان خاموش و یا چنان در خود و افکارش غرق می شود که تمام دقایق درخشان قبلی و خلاقیت هایش را فراموش می کنید.

وقتی هافبک های انگلیس به حرکت درمی آیند شما نمی دانید که چه می خواهند انجام بدهند و ابهام و تداخل از حرکات لمپارد، جرارد و بکام می بارد و در بسیاری از موارد مانورها و اقدامات آنها ناقض حرکات یکدیگر است. عجیب است که اریکسون هنوز به این نتیجه نرسیده که حداقل یکی از آنها را از ترکیب ثابت بیرون بگذارد. وقتی تیم تان جواب نمی دهد و هافبک ها به یک شکل بازی می کنند، باید به تغییراتی از این قبیل دست بزنید، اما اریکسون تا به حال فقط مشغول دفاع از افکارش بوده و گفته است: «باور کنید، دلیل متوسط بازی کردن شاگردان من متوسط بودن حریفان بوده است و این مشکل به خودی خود حل خواهد شد، زیرا حریف بعدی ما (پرتغال) تیمی قدرتمند است.»

در آن صورت باید پرسید چطور آرژانتین توانست در برابر تیم ضعیف تر از خود (صربستان) شش گل بزند و نفراتش نه تنها نزول نکنند بلکه شکوفاتر هم بشوند؟ مجموعه خصایل و واکنش های فوق است که انگلیس را بیش از هر زمانی به وین رونی و به درخشش او محتاج می سازد و اگر او در یورو ۲۰۰۴ تبدیل به پدیده رقابت ها و عامل اصلی صعود انگلیسی ها تا مرحله یک چهارم نهایی شد، این بار نیز باید چنین کند تا از سرگردانی موجود بین هافبک های تیمش بکاهد و یک تنه کاری را انجام بدهد که سایرین در کنار یکدیگر و با کمک هم قادر به انجام آن برای انگلیس نشده اند.

شاید هم اریکسون باید به بخت خوش خود درود بفرستد زیرا در شرایطی روبه روی پرتغال می ایستد که رقیب بر اثر نبرد سنگین اش با هلند لت و پار شده و کلی مصدوم و رنجور و اخراجی روی دستش مانده است. سرآمد غایبان در اردوی پرتغال دکو است که در دیدار بدخیم با هلند دو اخطار گرفت و به رغم فرجام خواهی پرتغالی ها برای لغو مسئله غیبت او و بازگرداندنش به میدان فیفا با چنین درخواستی مخالفت کرده است. کریستیانو رونالدوی منچستر یونایتدی نیز که در مسابقه با هلند از ناحیه ران مصدوم شد، اطمینانی به حضورش در میدان نیست و اگر نباشد، پرتغال غیبت او را هم به شدت حس خواهد کرد.

اما مهم تر از همه اینها خستگی مفرط تیم پرتغال است زیرا این تیم در دیدار عصبی و پرتنش با هلند جان به لب شد تا با ۹ نفر جواز صعود را بگیرد، حال آنکه انگلیس بدون فشار و اضطراب مفرط و یک ضربه آزاد بکام کلک اکوادور را کند و صعود کرد و سرحال تر و بانشاط تر رودرروی تیم اسکولاری خواهد ایستاد. مجموعه این مسائل ما را وادار می کند که کفه ترازو را به نفع یاران بکام سنگین ببینیم و به حذف تیم خسته پرتغال رای بدهیم.

■ دیدگاه دوم

حالا که پرتغال تیم فنی اما نپخته هلند را حذف کرده، فرض این است که برای شکست دادن تیم «گیج و هدف گم کرده»ی اریکسون دردسرهای کمتری خواهد داشت، به خصوص که به نظر می رسد بازیکنان نامدار انگلیس به جای اینکه هوش و حواس خود را به جام هجدهم آورده باشند فقط موبایل خود را آورده اند و به جای اینکه در زمین فکر کنند، فقط بی هدف می دوند.

کافی است که نگاهی به اسامی و قابلیت ستاره های انگلیس بیندازید تا متوجه شوید چه سرمایه های عظیمی در اختیار این تیم است و از آنها به حد کفایت استفاده نمی شود.

شرایط دو تیم به گونه ای است که اگر انگلیس برای سومین بار متوالی در مرحله یک چهارم نهایی یک جام بزرگ (پس از جام جهانی ۲۰۰۲ و یورو ۲۰۰۴) حذف شود، نباید تعجب کنید و اینکه پرتغال دکو و کاستینیا (کوشتینیا) را ۱۰۰ درصد و کریستیانو رونالدو را ۸۰ درصد در خدمت نخواهد داشت، تفاوت زیادی در قضیه به وجود نمی آورد زیرا مربی پرتغال باهوش تر و زبده تر از مربی انگلیس است و «مسئله تفاوت مربی» حتی طی پیکار پرتغال- هلند نیز محسوس بود و آنچه پرتغال را بر لاله های نارنجی فائق گرداند، برتری های آشکار کاراکتر جوشان فیل بزرگ بر شخصیت سرد و منفعل فان باستن بود و کیست که نداند اریکسون هم از قماش ستاره سابق میلان و یک مربی فاقد جوشش است.

> **خلاصه مطلب**
>
> **معمولاً مسیرهایی آسان است که باعث می شود بازیکنان معروف دچار مشکل شوند. به دلیل آسان گرفتن اوضاع و یا به هر سبب دیگر آنها در تقابل با رقبایی که همواره ضعیف تر از آنان تلقی شده اند، به معضل و سد برخورد می کنند. صعود انگلیس تا مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی امسال با چنین وضع و وصفی صورت پذیرفته است. به واقع اگر سوئد را نادیده بگیریم، انگلیس در رویارویی با پاراگوئه، ترینیداد و اکوادور با یک مشت تیم درجه سوم روبه رو شده و دقیقاً به همین سبب نیز مشکل داشته است.**

این دومین جام جهانی عمر «فیل بزرگ» است و او نه تنها یک بازی را هم نباخته، بلکه به تساوی هم تن نداده است و کسب ۱۱ برد متوالی در دو جام ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ از جانب وی یک رکورد تازه برای یک مربی در این رقابت ها محسوب می شود. بد نیست بدانید پرتغال با رهبری او در دور مقدماتی این جام و همچنین در دیدارهای تدارکاتی که بعد از آن انجام داده حتی یک شکست هم نداشته و آخرین باختش همان شکست ۰-۱ در برابر یونان در فینال یورو ۲۰۰۴ بوده است. کافی است در نظر بگیرید که برزیل در تابستان ۲۰۰۲ با رهبری او در شهر شیزواوکای ژاپن تیم ملی انگلیس را در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی حذف کرده و در تابستان ۲۰۰۴ در شهر لیسبون همین بلا را با پیراهن پرتغال بر سر انگلیس در مرحله ای مشابه از «یورو ۲۰۰۴» آورد.

از همه مهم تر شور و شوقی است که اسکولاری نزد شاگردانش ایجاد می کند. در جام ۲۰۰۲ این مایکل اوون بود که گل نخست را به سود انگلیس زد، اما اسکولاری نهراسید و کاری کرد که تیمش ۱-۲ پیش بیفتد اما اریکسون در وضعیتی مشابه نتوانست عقب ماندگی تیمش را جبران کند و نتیجه نهایی همان ۱-۲ به سود برزیل باقی ماند. امروز حتی اریکسون نمی داند ادامه دهنده روش ۱-۵-۴ در مسابقات امسال باشد و یا به دو مهاجم روی بیاورد و کراوچ را زوج وین رونی در خط حمله کند. شاید گفته شود که انگلیس در هنگامه مسابقات یورو ۲۰۰۴ با بداقبالی هرچه بیشتر رونی را به دلیل مصدومیت از دست داد و نکته بین ها حتی می گویند که گل سول کمپبل در واپسین دقایق مسابقه انگلیس- پرتغال که داور آن را مردود شمرد صحیح بوده است و اگر آن گل محسوب می شد کار اصلاً به وقت اضافی و ضربات پنالتی نمی کشید اما حقیقت آن است که یک بار دیگر اسکولاری در قبال وقایع داخل میدان بسیار بهتر از اریکسون عکس العمل نشان داد و در نتیجه توانست بهتر هم نتیجه بگیرد.

اریکسون همیشه ادعا کرده است که دلیل اصلی جدا نشدنش از تیم انگلیس پس از ناکامی در یورو ضرورت جبران آن شکست در جریان جام جهانی ۲۰۰۶ بوده است ولی حالا که زمان اثبات آن ادعا رسیده، به نظر می رسد که او کمتر از هر زمانی قادر به گرفتن بازی های دلخواه از مردانی است که هر کدام در باشگاه های خود ستاره ای هستند اما به محض انتقال به سطح ملی کارایی خود را نصف می بینند. اشتباه نکنید، ما مدعی نیستیم که تیم فعلی پرتغال تیم فوق العاده ای است اما حقیقت انکارناپذیر آن است که این تیم بهتر از انگلیس برای رسیدن به اهدافش حرکت می کند و باهوش تر است و مربی آن از آنچه دارد بهتر از آنچه نزد حریف دیده ایم، بهره می گیرد. انگلیس راهی جز اکتفا به سلاح های فعلی اش ندارد. اگر این تیم بکوشد مثل پرتغال و بهتر بگوییم همانند اسکولاری با سلاح خود وی به میدان آید و مثل آتش باشد، با «آتش» پرتغال برابری نخواهد کرد و اگر بخواهد سرد و حساب شده یعنی به سیستم دلخواه اریکسون بازی کند، در دام هایی خواهد افتاد که مربی هوشیار برزیلی فارویش پهن کرده است. حتی اگر مبنا را بر دوز و کلک های مرسوم در میادین فوتبال حرفه ای بگذاریم، اسکولاری ید طولایی در این امور دارد و اریکسون با او برابری نمی کند.

شاید پرتغال با جان تری، جو کول و استیون جرارد بازیکنانی داشته باشد که حتی اسکولاری افسوس نداشتن آنها را در جمع شاگردانش بخورد اما در عوض این مربی برزیلی توانسته است کاری کند که مانیش پس از یک سال نزول دوباره چنان اوج بگیرد که بدل به یکی از بهترین «هافبک وسط»های جام شود و لوئیس فیگو در ۳۴ سالگی تولدی نو داشته باشد و ریکاردو کاروالیو و فرناندو مایرا یک زوج عالی را در مرکز خط دفاعی پرتغال بسازند.

می توان تا ابد امیدوار ماند تا دوباره یک ضربه آزاد از بکام یا یک شوت ۳۰ متری از جو کول یا ۳۵ متری از جرارد و یا ضربه سر جان تری پرتغال را ناکام کند اما آنچه محتمل تر است، فائق شدن «مجموعه و ترکیبی» است که با هدایت اسکولاری از مرتبه و منزلت تیم فراموش شده دهه ۱۹۹۰ به «تیم فنی و کارساز» دو سال اخیر ارتقا یافته و حالا به تکرار واقعه ۱۹۶۶ چشم دارد. سالی که به رتبه سوم جام جهانی رسید، هر چند این همان سالی است که انگلیس با مربی و نسلی بسیار بهتر و هدف مندتر از امروز تنها مقام قهرمانی اش را در تاریخ برپایی جام های جهانی تصاحب کرد.

منبع: guardian

آخرین شانس

از آن نسل قدیمی انگلستان، در اواسط دهه ۹۰ تنها گری نویل و سول کمپل را می توان در مجموعه اسون گوران اریکسون یافت و برای گری نویل کسی که در طول حضور مستمرش در سطح اول فوتبال دنیا، جام ها و عناوین متعددی را به ویترین افتخاراتش افزوده، شاید این جام آخرین حضور او در چنین تورنمنت بزرگ و رویایی باشد. گری نویل که اخیراً از بند مصدومیت رها شده و امیدوار است در سمت راست خط دفاعی انگلستان در برابر پرتغال در مرحله یک چهارم نهایی قرار گیرد دراین باره می گوید: «مردم همیشه می گویند این نسل، یک نسل طلایی است. اینکه تا چه اندازه عقیده آنها درست و منطقی است، امروز مشخص می شود. همواره گفته ام که مجموعه ما، کامل ترین و کم نقص ترین مجموعه ای است که تا به حال فوتبال انگلستان به خود دیده.

برای اثبات ادعایم کافی است به دیدارهایی که در مرحله مقدماتی انجام داده ایم بنگرید. در شرایطی که در آن بازی ها ما در بهترین شرایط نبودیم، اما با تمامی این اوصاف با ۷ امتیاز صدرنشین گروه شدیم. این یعنی اینکه در روزهایی که در بهترین وضعیت خود به سر نمی بریم هم آنقدر توانا و باکیفیت هستیم که بتوانیم حریفانمان را شکست دهیم.» مدافع قدیمی و کهنه کار انگلستان در ادامه در خصوص مسابقه حساس و سرنوشت ساز کشورش با پرتغال در مرحله یک چهارم نهایی جام می افزاید: «چنین شانس و موقعیتی دیگر در زندگی ورزشی به سراغ من و شاید دیگر بازیکنان تیم نخواهد آمد. این یک شرایط استثنایی است که باید از آن به بهترین نحو استفاده کرد. حضور در مرحله نیمه نهایی و متعاقب آن فینال. چه باشکوه است. شاید برای هر فوتبالیستی در طول عمرش تنها یک بار چنین اتفاقی روی دهد و ما باید به هر شیوه ای از چنین بختی بهره ببریم. امروز در حالی به مصاف پرتغال می رویم که از هر نظر آماده تر و بهتر از دو سال پیش هستیم. بازیکنان تیم باتجربه تر شده اند و خصوصاً اینکه در شرایط آب و هوایی بهتری به مصاف آنها خواهیم رفت. در تیم ما ۴ یا ۵ فوتبالیست همیشه برنده حضور دارند؛ جان تری، دیوید بکام، فرانک لمپارد، استیون جرارد و وین رونی. پس اوضاع از همیشه بهتر است.»

پرتغال امیدوار است

بهترین گلزن تاریخ فوتبال ملی پرتغال معتقد است، اعتبار و شیوه آشنای انگلستان می تواند ضد آنها تمام شود و مانع از نتیجه گیری انگلستان در برابر فینالیست یورو ۲۰۰۴ باشد. گلزن اسبق بوردو و فعلی پاریس معتقد است: «سبک و سیاق بازی آنها به گونه ای است که به راحتی قابل تحلیل و بررسی است. فوتبال و سبک شیوه بازی این تیم بسیار مشهور و پرآوازه است و بدین سبب اکثر تیم ها می دانند که راه و شیوه مقابله با چنین تاکتیک هایی چیست. ما مرتب بازی های انگلستان را در تلویزیون مشاهده می کنیم. هر هفته لیگ برتر انگلستان و تماشای نمایش های بازیکنان این کشور، تصویر روشن و بسیار شفافی را در اختیار ما قرار می دهد. اطلاعات و نکات کلیدی ما درباره آنها بسیار زیاد است و می دانم که آنها چنین آگاهی ای نسبت به ما ندارند.» یک عامل مهم دیگر در نتیجه گیری احتمالی پرتغال در برابر انگلستان، حضور فیلیپه اسکولاری روی نیمکت پرتغالی ها است. نونو والنته مدافع چپ این کشور در خصوص اسکولاری می گوید: «او بهترین عملکرد را در این مدت ارائه داده است. در این سه سال، او نشان داده که از چه توان و قابلیت هایی برای هدایت پرتغال برخوردار است. اسکولاری دو بار با انگلستان مواجه شده است که خوشبختانه در تمامی این دو موقعیت او فاتح میدان بوده است. قدرت مدیریتی او بی نهایت خارق العاده است. او به بازیکنان تیم آزادی و ابتکار عمل می بخشد و از این جهت او یک مربی ارزشمند است.» مانیش هافبک میانی سابق پورتو و قرضی چلسی که با بازی های درخشانش در این جام، نمایش های به یادماندنی اش را در یورو ۲۰۰۴ زنده کرده است در خصوص انگلستان می گوید: «من مدتی است در انگلستان هستم و نسبت به فوتبال این کشور آشنایی نسبی پیدا کرده ام. آنها یک تیم حرفه ای با بازیکنان بسیار توانا هستند. نکته مثبت در خصوص این تیم خط میانی بسیار قدرتمندی است که اسون گوران اریکسون از آن بهره می برد. استیون جرارد، فرانک لمپارد، جو کول و دیوید بکام همگی از اعتبار بسیار ویژه ای در فوتبال برخوردارند و اگر بتوانیم در برابر این ۴ هافبک، روز پرفروغی داشته باشیم، آن وقت می توانیم در خصوص پیروزی صحبت کنیم.»

چهره ها

دومنک هم بلندپرواز می‌شود

می گویند فرانسه اگر در برابر قهرمان جهان، مغلوب و از گردونه رقابت ها خارج شود، آنگاه هیچ انتقادی را نمی توان به مجموعه ریموند دومنک و شخص او وارد آورد. شکست دادن اسپانیا و حضور در مرحله یک چهارم نهایی برای کشوری مانند فرانسه، که در ابتدای مسابقات برخی حتی امید چندانی به صعود این تیم از گروهش نیز نداشتند، این کشور و دومنک را در یک شرایط روحی مناسب قرار داده است. تیمی که به گونه ای ظاهر شود که انتظارات را به حداقل برساند، وقتی به موفقیتی هر چند کوچک می رسد آنگاه نگاه های مثبت به سوی چنین تیمی برمی گردد. به این دلیل است که بسیاری حذف فرانسه به دست برزیل را یک فاجعه ملی نمی خوانند. اما ریموند دومنک سرمربی ای که در طول چند هفته اخیر فشارها و استرس های بسیاری را تحمل کرده، چندان با چنین دیدگاهی موافق نیست. او معتقد است: «نمی دانم چرا چنین تلقی ای در مردم جاری شده... خیلی ها اعتقاد دارند در صورت شکست فرانسه از برزیل، باید کارنامه فرانسه در این تورنمنت را رضایتبخش خواند و جام جهانی ۲۰۰۶ را یک تورنمنت قابل قبول برای بازیکنان این کشور تصور کرد. برعکس، من شخصاً علاقه ای به شنیدن چنین نظرات حیرت انگیزی ندارم. وقتی که ما در این مرحله از مسابقات به کشوری، ولو اینکه آن برزیل باشد، می بازیم، موید این نکته است که تورنمنت خوبی را تجربه نکرده ایم.»

سرمربی آبی ها که کشورش باید امروز به مصاف سلسائو برود در ادامه تاکید می کند: «تمام بازیکنان از اینکه تا این مرحله از مسابقات پیش رفتند، خرسند هستند. حضور در جمع ۸ تیم جهان، تاکنون نتیجه قابل قبولی بوده است. اما با کمی اعتماد به نفس و تمرکز می توانیم برزیل را نیز کنار زده و خود را برای تصاحب جام آماده کنیم. بله درست است. برزیل در طول ۴۰ سال اخیر در هر تورنمنتی که حضور داشته، مدعی درجه اول قهرمانی بوده است.»

دومنک که وقتی تیمش را تا این حد نزدیک به لمس کردن جام می بیند، به چیزی جز قهرمانی رضایت نمی دهد. او که مانند امه ژاکه، از سوی رسانه ها و روزنامه های این کشور- خصوصاً روزنامه ورزشی اکیپ- متحمل انتقادات بسیاری است، نبرد این دو تیم را به انتقام و یا خصومت های شخصی گسترش نمی دهد. او می گوید: «اکنون تنها دغدغه من حضور در برلین و بازی در روز نهم جولای است. حالا هیچ فرصتی برای رسیدگی به دشمنی های شخصی ندارم. کسانی که از من و مجموعه انتقاد می کنند، به اندازه من از اوضاع و شرایط بازیکنان تیم آگاهی ندارند، پس نمی توانند قاضی خوبی برای صدور رای باشند.»

مصدومیت جزیی زیزو

زین الدین زیدان سازنده گل دوم و زننده گل سوم فرانسه در دیدار حیاتی کشورش در برابر اسپانیا بود. زیزو که شمارش معکوس برای وداع همیشگی اش با فوتبال آغاز شده، در دیدار برابر اسپانیا به دلیل آسیب دیدگی جزیی که به آن دچار شد، در جلسه تمرینی روز پنجشنبه تیمش شرکت نکرد و برای دوری از آسیب دیدگی شدیدتر آن روز را در هتل اختصاصی تیمش به استراحت پرداخت. یکی از نزدیکان اردوی آبی ها در این خصوص می گوید: «آسیب دیدگی زیزو خفیف است و جایی برای نگرانی وجود ندارد. ما برای پیشگیری از بروز صدمه دیدگی بیشتر به او استراحت دادیم تا برای بازی برابر برزیل مشکلی نداشته باشد.» زیدان به دلیل دریافت دو کارت زرد در دو بازی نخست تیمش برابر سوئیس و کره جنوبی، دیدار سوم فرانسه در برابر توگو را از دست داد اما بازگشت دوباره او به ترکیب اصلی فرانسه خوش یمن بود، چرا که آبی ها در یک دیدار سرنوشت ساز موفق شدند اسپانیا را با حساب سه بر یک مغلوب کنند. زیدان که مصدومیت کوچکی گریبانش را گرفته، در خصوص بازی تکراری کشورش با برزیل در مرحله یک چهارم نهایی می گوید: «از اینکه بار دیگر در برابر برزیل بازی می کنیم خوشحالم. هشت سال پیش یکی از بهترین و به یادماندنی ترین لحظات زندگی من و دیگر هم تیمی هایم در لباس آبی کشورم رقم خورد و حالا و در این تاریخ دوست دارم آن خاطره را بار دیگر زنده کنم. هر چند فرانسه مسابقات را سست و متزلزل آغاز کرد اما به مرور و گام به گام نشان داد که در هیئت یک مدعی قهرمانی است. فرانسه با پیروزی در برابر اسپانیا، تیمی که در سه بازی گروهی اش به سه پیروزی پیاپی دست یافته بود، نشان داد که بار دیگر در پی چنگ زدن به جام جهانی است. هر چند خیلی ها برزیل را پرشانس تر و قدرتمندتر از ما برای پیروزی در این نبرد می دانند اما ستاره های ما مانند آنری، ویرا، ماکلله، تورام و ترزگه با تجارب ارزنده خود می توانند بار دیگر برای برزیلی ها یک شب دراماتیک رقم بزنند.»

ستاره افسانه ای فوتبال دنیا که از این به بعد هر بازی برای او ممکن است به معنی آخرین حضورش در میدان فوتبال باشد در انتها می گوید: «جو کنونی مجموعه فوق العاده است. با کسب پیروزی برابر اسپانیا اعتماد به نفس به تیم بازگشت.»